

کارکرد پیمان پولی دو جانبه در نظام پرداخت تجارت بین الملل: در شرایط تحریم اقتصادی

غلام نبی فیضی چکاب^۱

حمید اللهیاری پرگو^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۵

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

چکیده

وابستگی نظام پرداختها در تجارت فرامرزی ایران و استفاده از ارزهای جهان روا همچون دلار، منجر به آسیب پذیری فزاینده اقتصاد ایران در مقابل تحریمهای اقتصادی شده است. ایالات متحده آمریکا با آگاهی از این امر، مبادرت به وضع تحریمهای مالی نموده که موجب اختلال شدید در انجام تبادلات مالی بین المللی ایران شده است. در راستای کاهش آثار تحریمهای مالی، پیمانهای پولی دو جانبه می توانند با حذف استفاده از ارزهای ثالث، چرخه پرداختها در تجارت فرامرزی بین کشورها را تسهیل کنند. این پیمانها با تکیه بر تفکیک بین کارکردهای پول، صرفاً از ارزهای جهان روا به عنوان مبنای حسابداری در پیمانهای پولی بهره می برند و پرداختها را به ارزهای ملی انجام می دهند. انعقاد و اجرای این پیمانها به صورت مطلوب منتج به تقویت جایگاه پول ملی در مناسبات اقتصادی بین المللی و کاهش آثار سوء تحریمهای اقتصادی خواهد شد. البته پیمانهای مزبور دارای ملاحظات اقتصادی و اجرایی هستند که در صورت عدم رعایت، منتهی به تضعیف صنایع داخلی و کاهش ارزش داراییهای ارزی بانک مرکزی خواهد شد. در این نوشتار، سعی شده است با واکاوی مطالب فوق الذکر، شمایی کارکردی از ایجاد و اجرای این سازوکار مالی بین المللی در شرایط تحریم اقتصادی ارائه گردد.

واژگان کلیدی: پیمان پولی دو جانبه، تحریم اقتصادی، تجارت بین الملل، تحریم مالی، نظام پرداخت بین الملل.

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبایی. (Legalfayz@gmail.com)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی. نویسنده مسئول

(Hamid_Allahyari@atu.ac.ir)

۱. مقدمه

قدمت تجارت میان ملل به درازای شکل‌گیری تمدن‌های دوران باستان است؛ آنگاه که بشر متمدن دریافت برای بهبود حیات خود، ناگزیر از ارتباط با سایر ملل است. با گذشت قرن‌ها، تجارت بین‌الملل آنچنان رشد یافت که حتی برآورده ساختن نیازهای اولیه بشر امروزی منوط به تداوم چرخه تجارت فرامرزی است. ضرورت توسعه تجارت فرا سوی مرزها، در بستری از رخداد‌های تاریخی در نیمه اول قرن بیستم، منجر به آن شد که نهادها و نظامات نوینی در عرصه تجارت بین‌الملل شکل گیرد. از جمله این نظامات، اصول و قواعد حاکم بر نظام پرداخت‌ها در تجارت بین‌المللی بود. اصول و قواعد مزبور، امتیازاتی را برای برخی کشورهای قدرتمند اقتصادی به خصوص ایالات‌متحده آمریکا ایجاد نمود و منتج به سلطه آنان بر اقتصاد جهانی شد. در همین حال، ایالات‌متحده به کرات از این تفوق اقتصادی برای نیل به اهداف سیاست خارجی خود بهره جسته است. عمده‌ترین ابزار بهره‌گیری از این برتری اقتصادی، تحریم اقتصادی^۱ است؛ تا با فشار اقتصادی بر کشور تحریم کننده، وی را وادارد به متابعت از خواسته‌های خود کند یا حتی منجر به بی‌ثباتی و فروپاشی نظام سیاسی آن شود.

جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر تحت آماج شدیدترین تحریم‌های اقتصادی از جانب ایالات‌متحده آمریکا بوده است. از جمله این تحریم‌های اقتصادی، تحریم‌های مالی هستند که حوزه پرداخت تجارت فرامرزی را هدف گرفته‌اند. چرا که متأسفانه، نظام پرداخت تجارت فرامرزی در کشورمان عمدتاً متمرکز بر استفاده از ارزهای واسط مانند یورو و دلار بوده است و اثری از دیگر روش‌های پرداخت خارجی در سید پوشش ریسک تجارت ایران دیده نمی‌شود. لذا منطق حکم می‌کند که روش‌های نوین و کاربردی در حوزه پرداخت بین‌الملل برای متنوع سازی این روش‌ها و در نتیجه تقلیل آثار اقتصادی تحریم، استفاده شود.

یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای متنوع سازی در تبادلات مالی بین‌المللی، پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه^۲ است. پیمان مذکور با به کارگیری ارزهای ملی دو کشور، در مبادلات مالی بین آنها، درصدد حذف وابستگی نظام پرداخت این کشورها به ارزهای جهان روا است؛ به عبارت دیگر، پیمان پولی این امکان را به کشورها می‌دهد که بدون نیاز به ارزهای خارجی، همچون دلار و یورو، چرخه پرداخت‌ها در تجارت بین‌المللی را تداوم بخشند.

علاوه بر اینکه لزوم ایجاد و گسترش شبکه پیمان‌های پولی، منعکس کننده رویکردی منطقی برای مقابله با تحریم‌های مالی است، الزامات قانونی نیز در اسناد بالادستی برای برقراری و بسط این سازوکار مالی بین‌المللی وجود دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد به استقلال و نفی سلطه من‌جمله سلطه اقتصادی اصرار می‌ورزد (هاشمی، ۱۳۹۱). قانون اخیرالذکر در اصل چهل و سوم تحت عنوان «اقتصاد و امور مالی»، تأمین استقلال اقتصادی را سرمشق خود قرار داده است. بند هشتم در این اصل، در راستای نیل به هدف مزبور، بر جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان بر کشور تصریح کرده است. بدیهی است،

¹ Economic Sanctions

² Bilateral/Multilateral Currency Swap Agreements

به کارگیری پیمان‌های پولی در حوزه امور مالی می‌تواند مصداق بارز بند مذکور باشد؛ چرا که موجب عدم وابستگی و یا دست‌کم کاهش میزان وابستگی نظام مالی ایران به فرایندهای بین‌المللی پرداخت تحت کنترل بیگانگان می‌شود. همچنین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در ۳ بند به صورت تلویحی به ضرورت پیمان‌های پولی اشاره دارند (قوامی، ۱۳۹۴). در بند ۱۰ این سیاست‌ها، به حمایت همه‌جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش‌افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم، تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها، به ویژه با کشورهای منطقه، همچنین استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز اشاره دارد. در بند ۱۲ به افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان، به ویژه همسایگان، اشاره دارد. در بند ۱۳ نیز به مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز تأکید دارد؛ که انعقاد پیمان دو جانبه پولی می‌تواند در تحقق این سیاست‌ها مؤثر باشد و درآمدهای ارزی کشور را متنوع ساخته و تجارت خارجی را مقاوم کند. بر این اساس، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تلویحاً به استفاده از این ابزار اشاره دارد. در نهایت، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، در ماده ۱۳ ذیل بخش سوم تحت عنوان نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی، به لزوم انعقاد پیمان پولی دو جانبه و چندجانبه تصریح کرده است. مطابق ماده مزبور، وزارت اقتصاد و دارایی موظف است نسبت به ایجاد و انعقاد اینگونه پیمان‌ها با کشورهای طرف تجاری و هدف به خصوص کشورهای منطقه اقدام کند.

در این نوشتار، سعی بر آن است که با تبیین ماهیت، فرایند اجرا، ملاحظات، معایب و مزایای پیمان پولی دوجانبه در شرایط تحریم اقتصادی، دورنمایی کارکردی از پیمان مزبور در شرایط حساس کنونی ترسیم گردد. در همین راستا، در ابتدا نیاز است تا درک صحیحی از فضای حاکم بر مناسبات مالی بین‌المللی در شرایط تحریم اقتصادی ارائه شود تا کارکرد پیمان پولی به شکلی دقیق‌تر، با توجه به مقتضیات این مناسبات، مورد عنایت قرار گیرد. در نتیجه در گام نخست به شکل‌گیری نظام مالی بین‌المللی و امتیازات ناشی از آن می‌پردازیم؛ در گام بعدی به چگونگی بهره‌گیری از این امتیازات اقتصادی از طریق تحریم‌های اقتصادی خواهیم پرداخت. در گام نهایی به واکاوی موضوع اصلی پژوهش، یعنی پیمان پولی دوجانبه می‌پردازیم.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. شکل‌گیری نظام مالی، پولی و تجاری در تجارت فرامرزی

جنگ جهانی اول اروپا را با نابسامانی‌های عظیم اقتصادی از قبیل کسری موازنه پرداخت‌ها، تورم، کاهش شدید ارزش پول، اختلال در مبادلات بازرگانی و بیکاری گسترده مواجه نمود و سبب شد که دولت‌های اروپایی و همچنین آمریکا به اتخاذ سیاست‌های حمایتی شدید از صنایع داخلی و اقدامات تلافی‌جویانه در قبال شرکای تجار خود متوسل شوند.

پس از جنگ جهانی اول، نخستین گردهمایی بین‌المللی به منظور مذاکره درباره مسائل مربوط به تولید و تجارت در سال ۱۹۲۷ زیر نظر جامعه ملل در شهر ژنو برگزار شد (Sykes, & Irwin, Mavroidis, 2008). در این کنفرانس نمایندگان حدود پنجاه کشور حضور داشتند. هدف دولت‌های بزرگ آن بود که تضادها و اختلافات به وجود آورنده جنگ جهانی اول را حتی‌المقدور از طریق همزیستی سیاسی و نیز اتخاذ سیاست‌های لیبرالی و توسعه همکاری متقابل در زمینه‌های اقتصادی از میان بردارند.

در آن هنگام، با گذشت حدود ده سال از خاتمه جنگ جهانی اول، اروپا توانسته بود با ترمیم خرابی‌ها تا حد زیادی بر عواقب جنگ فائق آید. از سوی دیگر، افزایش تولیدات صنعتی و امکانات بالقوه مبادلات تجاری نیز یک آینده روشن اقتصادی را نوید می‌داد. ولی در عین حال، اعمال سیاست‌های حمایتی از طرف دولت‌ها و وجود محدودیت‌های متعدد در مبادلات بین‌المللی، در عمل موانعی در راه شکوفایی تجارت ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی، مذاکرات ژنو بر این مبنا قرار گرفت که موانع تجاری باید مرتفع شده و دولت‌ها با تعدیل سیاست‌های حمایتی راه را برای تجارت آزاد هموار کنند؛ اما اعلامیه پایانی نشست ژنو، بیش از آنکه بازتابی از خواست واقعی شرکت‌کنندگان باشد، تمهیدی جهت حفظ ظاهر امور بود. در نتیجه، آرزوهای که برای تجارت آزاد مطرح گردیده بود جامه عمل نپوشید و دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس به جای حرکت در مسیری هماهنگ، هر یک در پی حمایت از منافع خود برآمدند. چندی بعد ضربه هولناک ۱۹۲۹ تمام امیدها را به یاس تبدیل کرد (امیدبخش، ۱۳۸۹).

اقتصاد آمریکا طی دهه ۱۹۲۰ شاهد موفقیت چشم‌گیری بود اما بخش کشاورزی این کشور در این دوره با شرایط نامطلوبی مواجه گردید. کنگره آمریکا به منظور کمک به توان رقابتی محصولات کشاورزی درصدد وضع عوارض بیشتر بر واردات محصولات کشاورزی برآمد؛ اما طرفداران بخش کشاورزی در کنگره ناچار بودند برای کسب موافقت سایر نمایندگان، با افزایش تعرفه واردات بر بسیاری از محصولات صنعتی موافقت نمایند. در واقع تعرفه‌هایی که قرار بود تنها به منظور حمایت از بخش کشاورزی افزایش یابد، طبق قانون اسموت-هاولی^۱ نزدیک به ۸۰۰ قلم کالای کشاورزی و صنعتی را شامل گردید.

اقدام آمریکا در افزایش تعرفه‌ها بر واردات عکس‌العمل دیگر کشورها، به ویژه کشورهای اروپایی را به دنبال داشت. انگلستان که بعد از آمریکا دومین صادرکننده بزرگ جهان به شمار می‌رفت، در سال ۱۹۳۱ پایه پولی طلا را ترک کرد و با تصویب قانون عوارض وارداتی در سال ۱۹۳۲ به حدود یک قرن تجارت آزاد پایان داد. این تحولات منجر به کاهش شدید ارزش کالاهای صادراتی در سطح جهان شد. به عنوان نمونه ارزش صادرات آمریکا از ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۲۹ به ۱/۶ میلیارد در سال ۱۹۳۲ کاهش یافت (Hodgson & Herander, 1983).

به دنبال پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۳۳، مفهوم جدیدی از نقش ایالات متحده آمریکا در جهان شروع به شکل‌گیری کرد. وزیر امور خارجه وقت آمریکا، کوردل هال^۲، از حامیان اصلی این نظریه بود که آمریکا باید ابتکار غلبه بر سیاست‌های حمایتی را در دست گیرد (امیدبخش، ۱۳۸۹). وی اعتقاد

¹ Smoot-Hawley

² Cordell Hull

داشت که حذف موانع تجاری، ابزار اصلی جلوگیری از رکود در تجارت بین‌المللی، دستیابی به موفقیت و ثبات در اقتصاد جهانی و نیز کاهش تنش‌های سیاسی به شمار می‌رود. فشار کوردل هال و حامیانش در کنگره منجر به تصویب قانونی به نام موافقت‌نامه‌های تجاری متقابل^۱ در سال ۱۹۳۴ گردید. قانونی که به موجب آن رییس‌جمهور اختیار داشت با انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری مبادرت به کاهش تعرفه‌ها کند؛ بر این اساس ۲۹ موافقت‌نامه تجاری متقابل منعقد گردید. گرچه این توافقات تأثیر چندانی بر تعرفه‌ها نداشت اما اقدام مهمی برای شکل‌گیری چهارچوب مذاکراتی بود که در آینده منجر به پایه‌گذاری نظام مالی، پولی و تجاری در سطح جهانی شد.

خرابی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم، قدرت اقتصادی و تولیدی کشورها را به شدت تقلیل داد و ترکیب و جهت مبادلات بازرگانی را دچار تغییرات وسیعی نمود. کشورهای غربی در صدد برآمدند که حتی قبل از پایان جنگ اقداماتی را جهت پایه‌گذاری یک نظام مالی، پولی و تجاری جهت تأمین نیازهای دوران پس از جنگ به عمل آورند. طبیعتاً ابتکار عمل و هدایت این اقدامات در دست چند کشور غربی و آمریکا بود که هم بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و تجاری جهان به شمار می‌رفت و هم اینکه صدمات بسیار کمتری در طول جنگ متحمل شده بود. در سال ۱۹۴۴ (قبل از پایان جنگ)، به دعوت رییس‌جمهور آمریکا (روزولت) کنفرانسی با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز^۲ تشکیل گردید و طی آن موافقت‌هایی مبنی بر شکل‌گیری نظامات و نهادهای بین‌المللی صورت گرفت. از آن جمله مهم‌ترین این توافقات، تأسیس صندوق بین‌المللی پول و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه است.

یکی دیگر از مهم‌ترین تصمیمات، در حوزه پولی، در جریان کنفرانس برتون وودز، توافق بر این بود که ارزش واحد ارزی کشورهای مختلف بر اساس دلار آمریکا تعیین شود و در عین حال ارزش دلار آمریکا بر اساس ارزش طلا و قابل تبدیل به طلا باشد (Fouskas, 2015). البته با توجه به امکان انتشار دلار بدون پشتوانه از جانب آمریکا، هیئت مذاکره‌کننده بریتانیا، به سرپرستی اقتصاددان مشهور مینارد کینز، پیشنهادی مبنی بر ایجاد واحد پولی بین‌المللی با نام بن کر^۳ مطرح کرد؛ اما در نهایت قدرت چانه‌زنی آمریکا به عنوان قدرت اقتصادی غالب منجر به عقیم ماندن این طرح گشت (Backhouse & Bateman, 2011).

بدین ترتیب دلار با پشتوانه طلا، ارز اصلی در تبادلات مالی بین‌المللی شد؛ خصیصه‌ای که از آن با عنوان «جهان روا شدن» یاد می‌شود. روند اتکای دلار آمریکا به پایه پولی طلا تا سال ۱۹۷۱ ادامه داشت؛ اما در نهایت با کاهش ذخایر طلای آمریکا، نیکسون با حضور در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد که پایه پولی طلا را ترک خواهد کرد و دلار آمریکا بدون پشتوانه طلا انتشار خواهد یافت. این اعلامیه ناگهانی که به شوک نیکسون^۴ شهرت یافت، منجر به آن شد که دلار به عنوان ارزی جهان روا در کنترل بیش از پیش دولت آمریکا قرار گیرد.

¹ Reciprocal Trade Agreement Act (RTA)

² Bretton Woods

³ Bancor

⁴ Nixon Shock

آنچه که بهره‌گیری از جهان روایی دلار را به عنوان ابزاری برای اعمال تحریم‌های اقتصادی ممکن می‌سازد، آن است که بعد از کنفرانس برتون وودز، دلار به عنوان پول بین‌المللی و بانک مرکزی آمریکا به عنوان نهاد مدیریت کننده این نقدینگی در سطح بین‌المللی تعیین شد. در نتیجه دلار و بانک مرکزی آمریکا تحت حاکمیت قوانین داخلی این کشور است، اما در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند. علاوه بر منافع عظیم اقتصادی، ناشی از جهان روا شدن دلار برای آمریکا، استفاده سیاسی از دلار از سوی دولت آمریکا همواره در دستور کار برنامه‌های سیاست خارجی این کشور بوده است. دولت آمریکا می‌تواند با تصویب قوانین یک‌جانبه، بانک‌های ذیل نظام پرداخت دلار را وادار به محدود کردن نقل و انتقالات دلاری کشورهای مخالف آمریکا و حتی مسدود کردن دارایی‌های دلاری این کشورها کند. در غیر این صورت، این بانک‌ها با خطر جریمه‌های مالی و حتی لغو مجوز فعالیت مواجه خواهند شد.

۲-۲. تحریم اقتصادی بر نظام پرداخت تجارت فرامرزی

تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به بخش‌های مختلفی تقسیم کرد. مثلاً اقدامات خاصی که آسیب‌پذیری مالی کشور هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا آنهایی که کالای مهم کشور دیگر را تحریم می‌کنند. هدف این تحریم‌ها وارد آوردن آسیب به توانایی کشور هدف در دسترسی و استفاده از منابع اقتصادی است به طوری که بتواند رفتار مورد انتقاد آن کشور را به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار دهد و او را از فرصت‌ها و ابزارهای اقتصادی محروم کند. این تحریم‌ها عناصر مختلف فعالیت اقتصادی نظیر ارتباطات مالی و انواع مختلف کنشگران یعنی افراد، نهادها و دسترسی آنها به بازارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا می‌توانند بر کل مجموعه یک کشور اثرگذار باشند.

دو مسیر کلی و خاص برای اعمال تحریم اقتصادی وجود دارد: یکی تصمیمات مرتبط با فعالیت‌های تجاری و معاملات و دیگری فعالیت‌های مالی (Vuren, 2016). در طول تاریخ اصطلاح تحریم‌های اقتصادی، غالباً معادل با تحریم‌های تجاری^۱ در نظر گرفته شده است که در آن یک کالای خاص مشمول ممنوعیت صادرات و واردات قرار گرفته است. در عوض، تحریم‌های مالی^۲ شیوه جدیدی از اعمال تحریم هستند که از مزیت هر چه جهانی‌تر شدن بازارهای ارز استفاده کرده است و جریان‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تحریم‌های مالی کمتر بر کالاها و اجناس تجاری متمرکز می‌کنند و بیشتر بر نحوه انجام تجارت متمرکز دارند. چرا که فرض اصلی این است که زیرساخت انجام فعالیت‌های تجاری مذکور، جریان‌های مالی است که در دنیا وجود دارد و کشورهای غربی همچون ایالات متحده و اروپا نیز نقش مرکزی در این روندهای مالی ایفاء می‌کنند.

تحریم‌های مالی مکمل تحریم‌های تجاری هستند. زمانی که فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های تجاری کافی نباشند، تحریم‌های مالی به کمک تحریم‌های تجاری می‌آیند. به عنوان نمونه، علت به کارگیری تحریم‌های مالی بر اقتصاد ایران آن است که «اگرچه مواجهه مستقیم با دارایی‌های ملی کلیدی ایران نظیر صنعت نفت و گاز عملاً امکان تحقق ندارد، می‌توان از روش‌های جایگزین برای تأثیر گذاردن بر این دارایی‌ها

¹ Trade sanctions

² Financial sanctions

استفاده کرد؛ به عبارت دیگر، اگرچه قطع کردن بازوهای اقتصادی ایران بسیار دشوار است، اما تاندون‌ها، مفاصل و سایر بخش‌ها را می‌توان تحت تأثیر قرار داد چرا که آنها آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به فشار دارند» (Nephew, 2017).

آمریکا به صورت خاص در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ مبادرت به افزایش فشار از طریق تحریم‌های مالی علیه ایران نمود. یکی از مهم‌ترین اهداف، در اعمال این رشته از تحریم‌ها، قطع و یا دست کم محدودسازی ارتباط ایران با نظام بانکی بین‌الملل و مشارکتش در فعالیتهای مالی بین‌المللی بود. اعمال تحریم‌های مزبور در کنار عدم تنوع در روش‌های پرداخت بین‌المللی در ایران که منعکس‌کننده اتکای افراطی فعالیتهای مالی بین‌المللی ایران بر دلار آمریکا بود، در عمل منجر به اختلال در نظام پرداخت‌های تجارت فرامرزی ایران می‌شد.

۲-۳. توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه

یکی از راهکارهای مقابله با تحریم‌های مالی در حوزه پرداخت تجارت خارجی، متنوع سازی روش‌های پرداخت است. ابتکارات متعددی برای متنوع سازی در پرداخت‌های تجارت فرامرزی مطرح است؛ از این جمله می‌توان به توسعه پیمان‌های پولی، ناحیه مشترک پولی و منطقه بهینه پولی اشاره کرد. به نظر می‌رسد، با توجه به وضعیت اقتصادی ایران، توسعه پیمان‌های پولی بهترین روش برای متنوع سازی نظام پرداخت تجارت فرامرزی است (ملایی، جلال و عباسی، ۱۳۹۳). چرا که سایر روش‌های متنوع سازی، نیازمند شرایط اقتصادی و سیاسی با ثبات و همگن است؛ به نحوی که شاخص‌های اصلی اقتصادی مانند نرخ تورم، رشد اقتصادی و میزان بیکاری در کشورهایی که می‌خواهند چنین ابتکاراتی را به کار گیرند، به یکدیگر نزدیک باشد. البته به کارگیری پیمان‌های پولی نیز دارای ملاحظات اقتصادی و عملیاتی فراوانی است. در ادامه بحث، با تمرکز بر پیمان‌های پولی، درصدد شناخت ماهیت، معایب و مزایا و همچنین ملاحظات عملیاتی و اقتصادی در پیمان‌های پولی بر خواهیم آمد تا از این رهگذر تحلیلی کارکردی از پیمان‌های پولی در نظام پرداخت تجارت فرامرزی به ارمغان آوریم.

۲-۳-۱. زمینه تاریخی توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه

واژه سواپ ارزی^۱ ابتدا در دهه ۱۹۷۰ در انگلیس در کنار دیگر روش‌ها برای پوشش نوسانات نرخ برابری ارزها، مانند اختیار معامله، آتی و فوروارد، بین شرکت‌های بزرگ مورد استفاده قرار گرفته است. شرکت‌هایی که نیاز به نقدینگی به ارز دیگر داشتند، ارزهایشان را با یکدیگر سواپ می‌کردند و در انتهای دوره زمانی سواپ، مبالغ سواپ شده به نرخ تبدیل تعیین شده، تسویه می‌شد؛ بنابراین در ادبیات مشتقات مالی^۲، سواپ ارزی بین شرکت‌ها و بانک‌های تجاری برای کاهش ریسک نوسان ارز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

^۱ Swap Currency

^۲ Financial Derivatives

اما از اوایل سال‌های ۲۰۰۰ و بعد از وقوع بحران مالی جنوب شرق آسیا این نوع از سواپ‌ها بین بانک‌های مرکزی این کشورها با اهداف متعدد شکل گرفت (Aizenman, Jinjarak, & Park, 2011)؛ که تأمین نقدینگی مورد نیاز در زمان بحران به پول ملی کشور مقابل یکی از مهم‌ترین این اهداف بود. سازوکار اخیر که در آن از معاوضه پول ملی برای ذخیره ارزی، سرمایه‌گذاری مشترک و انجام پرداخت‌های مرتبط با تسویه تجاری بهره گرفته می‌شود، در ادبیات فارسی به پیمان پولی دو جانبه شهرت یافته است.

۲-۳-۲. پیمان پولی یا سواپ ارزی؟

تفاوت‌های متعددی میان این دو نوع سازوکار مالی وجود دارد. در حوزه مدیریت مالی، اصطلاح سواپ ارزی به نوعی از ترتیبات قراردادی اطلاق می‌شود که مطابق آن یک شرکت خصوصی متعهد می‌شود که اصل^۱ و/یا فرع^۲ مبلغ معینی از ارزش خارجی را به قیمت معینی به طرف دیگر بفروشد و طرف دیگر نیز متعهد می‌گردد که در تاریخ‌های معینی، به همین قیمت، ارزش را از طرف مقابل خریداری کند. نرخ بهره می‌تواند به صورت ثابت-ثابت، ثابت-شناور یا شناور-شناور باشد (شیرجیان و فرهنگ‌معی، ۱۳۹۵).

با این وجود در طرح چپانگ مای، بین کشورهای آسه آن + سه در سال ۲۰۰۰ که برای جلوگیری از بحران‌های مالی و مدیریت نقدینگی مصوب شد، واژه دیگری با عنوان پیمان پولی دو جانبه به کار رفت (Park, 2017)؛ که در این نوشتار موضوع بحث اصلی خواهد بود. همچنین با وجود شباهت‌هایی که بین پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه و سواپ ارزی وجود دارد، تفاوت‌های عمده‌ای بین این دو نوع سازوکار وجود دارد. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) در سواپ ارزی دو شرکت خصوصی با یکدیگر به توافق می‌رسند که ارزشهای خارجی را به یکدیگر بفروشند، در حالی که در پیمان پولی دو طرف توافق بانک‌های مرکزی دو کشور هستند.

ب) در سواپ ارزی، نهادی به نام اتاق تسویه^۳ وجود ندارد، اما پیمان‌های پولی از طریق اتاق‌های تسویه ارزی عملیاتی می‌شوند.

پ) روش اجرای سواپ ارزی با پیمان پولی تفاوت‌های بنیادین دارد؛ در پیمان پولی دو جانبه دو حساب متناظر برای هر یک از کشورها نزد بانک مرکزی کشور دیگر افتتاح می‌شود، بانک‌های تجاری عامل تعیین می‌شوند، عموماً برای استفاده بهینه از این نقدینگی، اولویت بندی‌هایی تعیین می‌شود، همچنین به بخش خصوصی برای نحوه استفاده از آموزش داده می‌شود. در حالی که در سواپ ارزی سیستم بانکی اصولاً در قرارداد فی‌مابین دو شرکت خصوصی نقشی نخواهد داشت.

ج) هدف از صبح سواپ ارزی، مدیریت ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز برای دو شرکت خصوصی است (Kiff & Ebrahim, 2000-2001)، اما از انعقاد پیمان پولی چندین هدف درصد ملی دنبال می‌شود:

۱. تأمین نقدینگی لازم برای مدیریت بحران‌های مالی در زمان نیاز؛

¹ Principal

² Interest Payment

³ Settlement/Clearing House

۲. استفاده از این نقدینگی برای تسویه پرداخت‌های تجاری بین کشورها در شرایط عادی تجاری؛

۳. کاهش وابستگی تجارت بین کشورها به ارزهای واسط مانند دلار و یورو؛

۴. جهان روا کردن ارزهای محلی و تقویت نقش آنها در تجارت بین‌المللی به دلایل اقتصادی و سیاسی.

با توجه به شباهت ساختاری و مفهومی بین پیمان پولی دوجانبه و سوآپ ارزی در ادبیات مدیریت مالی، در این قسمت مفاهیم نظری مرتبط با این نوع از معاوضات پولی مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به نحوه عملیاتی کردن پیمان پولی دوجانبه پرداخته می‌شود.

۲-۳-۳. شکل‌گیری سوآپ‌های ارزی

سوآپ ارزی ابتدا در دهه ۱۹۷۰ ایجاد و به یک ابزار مهم برای مدیریت بدهی و مدیریت ریسک نرخ‌های بهره تبدیل شد. بازار سوآپ‌های ارزی توسط بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری بزرگ توسعه یافت و هنوز هم در تسلط این نهادهاست. سوآپ یک قرارداد بین دو طرف است که طرفین توافق می‌کنند پرداخت‌هایشان را در طول یک دوره زمانی چند ساله معاوضه کنند.

چندین نوع سوآپ وجود دارد: الف) سوآپ ارزش سهام^۱ یا سوآپ مرتبط با ارزش سهام، ب) سوآپ بر اساس کالا^۲ و پ) سوآپ اعتبار^۳

در سوآپ ارزش سهام، دو طرف یک جریان مستمر پرداخت‌ها را بر اساس یک میزان مشخص از سهام دارای حق رأی را معاوضه می‌نمایند. سوآپ کالا قراردادی است که دو طرف جریان نقدی را بر اساس قیمت یک کالا، مانند سوخت موتور جت و یا انواع نفت کوره و گاز طبیعی، معاوضه می‌نمایند. در سوآپ بر اساس کالا، یک طرف یک قیمت ثابت برای میزان تعیین شده آن کالا می‌پردازد، در حالیکه پرداخت‌های طرف مقابل، بر اساس قیمت شناور است؛ که معمولاً قیمت بر اساس میانگین قیمت کالا در طول یک دوره زمانی محاسبه می‌شود (شیرجیان و فرهنگ‌معمین، ۱۳۹۵).

سوآپ‌های اعتباری نیز دو دسته‌اند: الف) سوآپ ارزی^۴ و ب) سوآپ نرخ بهره^۵

سوآپ‌های اعتباری نرخ بهره دربردارنده تبادل پرداخت‌های بهره بر اساس یک میزان مشخص از اصل اعتبار اولیه است. در حالی که اگر از سوآپ اعتباری ارزی استفاده شود، علاوه بر تبادل نرخ‌های بهره، در انتهای دوره زمانی مورد توافق، اصل اعتبار (سرمایه) اولیه نیز برگشت داده می‌شود. سوآپ‌های ارزی و نرخ بهره هرکدام به دو نوع تقسیم می‌شوند: ۱. بر اساس تعهدات^۶؛ ۲. بر اساس دارایی^۷. سوآپ‌های بر اساس تعهدات، دربردارنده تبادل پرداخت‌ها بر اساس یک بدهی (دین) برای پرداخت در مقابل بدهی دیگری می‌باشد. این سوآپ به مدیون این امکان را می‌دهد که دیون خود را به دیون دیگری تبدیل کند؛ از این

¹ Equity Swap

² Commodity Swap

³ Credit Swap

⁴ Currency Swap

⁵ Interest Rate Swap

⁶ Liability Swap

⁷ Asset Swap

طریق هر یک از طرفین خواهند توانست، یک دین با نرخ بهره ثابت را به دین با نرخ بهره شناور تبدیل نماید؛ یا تعهد پرداخت یک دین بر اساس یک ارز را به تعهد پرداخت با ارز دیگر تبدیل نماید؛ بنابراین سواپ‌های بر اساس تعهدات، ابزاری برای مدیریت دیون/تعهدات هستند. به طور مثال تصور کنید که الف شرایط اخذ تسهیلات مالی به این دارد و ب شرایط اخذ تسهیلات دلاری؛ در این صورت ساده‌ترین راه‌حل این است که الف به ب استقراض کند و ب نیز استقراض دلاری انجام دهد. حال اگر الف در بازار مالی دلاری دارای مزیت رقابتی بالاتری نسبت به ب باشد و در همین حال ب دارای مزیت رقابتی بالاتری در بازار بین نسبت به الف باشد؛ آنگاه با مداخله یک واسطه مالی همچون بانک، طرفین می‌توانند جریان‌های مالی ناشی از استقراضات خود-به شکل وام- را با یکدیگر معاوضه کنند (Lyu, 2001).

سواپ‌های بر اساس دارایی، زمانی به کار می‌روند که یک جریان درآمد ناشی از سرمایه‌گذاری (دارایی) با یک جریان درآمدی ناشی از دیگر منابع جایگزین، معاوضه شود. ساختار سواپ بر اساس دارایی و سواپ بر اساس تعهدات مشابه یکدیگر است. علت جداسازی این دو نوع سواپ، تنها برای اشاره به هدف از بکارگیری سواپ می‌باشد.

سواپ‌های بر اساس تعهدات، متداول‌تر از سواپ‌های بر اساس دارایی است و اصطلاح بر «اساس تعهدات» به ندرت در مورد ارز به کار می‌رود؛ بنابراین می‌توان سواپ‌های اعتباری را به چهار گروه تقسیم نمود: (الف) سواپ دارایی (نرخ بهره، ب) سواپ دارایی ارزی، (پ) سواپ تعهدات نرخ بهره و (ج) سواپ تعهدات ارزی (شیریحیان و فرهمندمعین، ۱۳۹۵).

۲-۳-۴. ماهیت پیمان‌های پولی دو جانبه

بانک مرکزی چین پیمان پولی دو جانبه را چنین تعریف کرده است: در یک پیمان پولی دو جانبه تحت چارچوب طرح جیانگ مای، کشور درخواست کننده، ارزهای قابل تبدیل را از کشور تأمین کننده به ارز محلی آن کشور می‌خرد و ارز محلی خودش را معادل همان ارزهای قابل تبدیل (نرخ تبدیل تراکنش خرید در یک دوره زمانی تعیین شده) بازخورد می‌کند. همچنین لغت‌نامه مالی بازار سهام نزدک^۱ پیمان پولی را چنین تعریف نموده است: یک پیمان برای معاوضه مجموعه‌ای از تعهدات پرداخت معین به ارز یک کشور، با مجموعه‌ای از تعهدات پرداخت به ارز کشور دیگر که معمولاً با نرخ‌های ثابت به ثابت انجام می‌رود (ملایی، جلال و عباسی، ۱۳۹۳).

به طور کلی پیمان پولی دو جانبه یعنی استفاده همزمان از دو پول ملی کشورهای مبدأ و مقصد در تجارت فرامرزی و تأمین مالی بین دو کشور، به گونه‌ای که نیازی به ارزهای ثالث نباشد. برای اجرایی شدن این پیمان‌ها، نیاز است که بانک‌های مرکزی کشور مبدأ و مقصد در تجارت فرامرزی، وارد مذاکره با یکدیگر شده و پیمان پولی دو جانبه را منعقد نمایند.

^۱ Nasdaq

۲-۳-۵. فرایند اجرایی پیمان‌های پولی دوجانبه

بعد از انعقاد پیمان پولی دوجانبه بین بانک‌های مرکزی، مدیریت نظام پرداخت در جریان تجارت فرامرزی دو کشور اینگونه خواهد بود که در ابتدا نزد هر یک از بانک‌های مرکزی دو کشور، یک حساب ویژه افتتاح می‌شود؛ به عنوان نمونه اگر دو کشور طرف پیمان چین و مصر باشد، یک حساب ویژه در مصر نزد بانک مرکزی مصر به پوند (واحد پولی مصر) و یک حساب ویژه دیگر در چین نزد بانک مرکزی چین به یوان (واحد پولی چین) افتتاح می‌شود (Nozahie & Ibrahim, 2017). ایجاد اشتراک مفهومی در مورد حساب ویژه نقش کلیدی دارد. عملیات حسابداری برای این دو حساب ویژه بر اساس یک دارایی ارزشمند باثبات انجام می‌شود؛ به عنوان مثال دارایی‌های همچون طلا، نفت، دلار، یورو، پوند، SDR^۱ (واحد بین‌المللی صندوق بین‌المللی پول) و امثالهم می‌تواند کاندیدای حسابداری حساب ویژه باشند. فرض کنیم در ابتدا ارز یورو برای عملیات حساب داری حساب ویژه انتخاب شده است، در این حالت هیچ چگونه پولی به واحد یورو، وارد حساب‌های ویژه نشده و از آن خارج نمی‌شود، به عبارت گویاتر، هیچ‌کدام از پرداخت‌ها به یورو نخواهد بود؛ چرا که حساب ویژه یک حساب دفتری است و هیچ ارتباطی به نظام پرداخت یورو ندارد.

الف) گشایش حساب ویژه

برای برخورداری درکی صحیح از نحوه کارکرد حساب ویژه، باید به کارکردهای متفاوت پول توجه نمود. در علم اقتصاد گفته می‌شود که پول دارای سه کارکرد است: الف) ابزار پرداخت، ب) مبنای محاسبات و پ) ابزار ذخیره ارزش. در این نوشتار مورد سوم، یعنی ابزار ذخیره ارزش، خارج از بحث است. ایده‌ای که فلسفه حساب ویژه و مرکز ثقل پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه است، تفکیک بین کارکرد اول و دوم است؛ یعنی از پول‌های ملی، به‌عنوان ابزار پرداخت استفاده می‌شود؛ اما عملیات حسابداری بین ذینفعان (بانک‌های مرکزی، بانک‌های تجاری و تجار دو کشور در تجارت خارجی) همچنان بر اساس یک ارز سخت^۲ مانند یورو خواهد بود. البته باید توجه نمود که عملیات حسابداری اصولاً، نه لزوماً، بر مبنای یک ارز سخت انجام می‌گیرد و ممکن است هر نوع دارایی ارزشمند باثبات دیگری همچون فلزات گران‌بها مبنای محاسبات در حساب ویژه قرار گیرد (ملایی، جلال و عباسی ۱۳۹۳).

از همین روی، اگر پول ملی یکی از کشورهای طرف پیمان پولی دچار افت ارزش شود، کشور مقابل متضرر نمی‌شود. چرا که اعتبار کشور مبدأ در کشور مقصد (و برعکس) به صورت «معادل یورو» بوده است و نه به پول ملی کشور مقصد. به عنوان مثال اگر پیمان پولی دوجانبه بین ایران و ترکیه تا سقف معادل ۵۰۰ میلیون یورو در سال منعقد شده باشد، کل ۵۰۰ میلیون یوروی ایران در حساب ویژه نزد بانک مرکزی ترکیه نگهداری می‌شود که عملیات آن معادل یورو است و اگر پول ملی ترکیه (لیر) دچار افت ارزش شود، ایران ضرر نمی‌کند. چرا که ایران همچنان معادل ۵۰۰ میلیون یورو است که طلب دارد. به طور متقابل، اگر ریال ایران در برابر یورو دچار افت ارزش شود، بانک مرکزی ترکیه متضرر نمی‌شود؛ چراکه اعتبار بانک مرکزی

^۱ Special Drawing Right

^۲ Hard Currency

ترکیه در ایران معادل ۵۰۰ میلیون یورو است و نه به ریال ایران؛ بنابراین دلیل افتتاح حساب ویژه، استفاده از پول‌های ملی به عنوان ابزار پرداخت و درعین حال جلوگیری از ضرر بانک‌های مرکزی ناشی از افت ارزش پول‌های ملی در پیمان پولی است.

(ب) عملیات بانکی

بعد از افتتاح حساب ویژه، بانک‌های مرکزی هر کشور معادل اعتباری را که در حساب مذکور برای یکدیگر شارژ کرده‌اند، یک خط اعتباری به پول ملی خود ایجاد می‌کنند (در مثال فوق، خط اعتباری ریالی و لیری معادل ۵۰۰ میلیون یورو). این خط اعتباری همانند سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی عمل می‌کند، به گونه‌ای که در پایان دوره معادل همین مقدار در حساب ریالی نزد بانک مرکزی ایران و حساب لیری نزد بانک مرکزی ترکیه باقی می‌ماند و مصرف نمی‌شود.

بانک‌های مرکزی علاوه بر حساب ویژه، باید سامانه نرم‌افزاری پیمان پولی را توسط تیم فنی مشترک طراحی کنند. در ذیل این سامانه که می‌تواند بر بستر وب به صورت رمزنگاری شده عمل نماید، به بانک‌های تجاری دسترسی داده می‌شود. در این حالت، بانک‌های تجاری هرگونه خدمات بانکی از جمله خدمات حواله^۱، گشایش اعتبار اسنادی^۲، صدور ضمانت‌نامه بانکی^۳ و مانند آن را تا سقف تعیین شده توسط بانک‌های مرکزی برای جامعه تجاری کشور انجام می‌دهند. در پیمان پولی دو جانبه، در انتهای دوره زمانی، مانده حساب‌های ویژه صفر خواهد شد و نیازی به تسویه در انتهای دوره نیز وجود ندارد.

۲-۴. ملاحظات اجرایی و اقتصادی پیمان‌های پولی دو جانبه

با توجه به شرایط فعلی کشور و اعمال مجدد تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه از جانب ایالات متحده، چنین پیمان‌هایی باید با کشورهایی منعقد شود که توانمندی اقتصادی و سیاسی لازم را برای پایبندی به تعهداتشان را داشته باشند. البته باید سازوکار تسویه و مدیریت ریسک مناسبی برای طرف مقابل پیش می‌شود تا انگیزه لازم برای انعقاد و پایبندی به چنین پیمانی وجود داشته باشد. مشابه با هر اقدام دیگری در حوزه تجارت فرامرزی، این گونه پیمان‌ها نیز دارای ملاحظاتی هستند که در صورت نادیده گرفتن، احتمال موفقیت کاهش می‌یابد. چندین مؤلفه اصلی در پیمان‌های پولی باید مورد توجه قرار گیرد که در ادامه به صورت مختصر به هر یک اشاره می‌شود.

(الف) عدم برابری تراز تجاری

یکی از اصلی‌ترین ملاحظات در اجرای پیمان پولی به صورت دو جانبه، رعایت سقف مقداری پیمان است. سقف مقداری پیمان دو جانبه باید به گونه‌ای تنظیم شود که در انتهای بازه‌های زمانی، فاقد مانده باشد. اگر

¹ Telegraphic Transfer/T.T.

² Documentary Credit/Letter of Credit

³ Bank Guarantee

این سقف رعایت نشود، باعث بلوکه شدن پول یک کشور در کشور مقابل می‌شود و نیاز است که تسویه نقدی در انتهای دوره انجام شود. در ادامه، به نحوه تعیین سقف مقداری پیمان پولی خواهیم پرداخت. عدد کمتر در واردات و صادرات کشورها به یکدیگر، مبنای تعیین سقف مقداری در پیمان پولی است (شیریحیان و فرهنگمندی، ۱۳۹۵). اگر صادرات ایران به ترکیه کمتر باشد، مبنای تعیین سقف صادرات خواهد بود؛ اگر واردات ایران از ترکیه کمتر باشد، میزان واردات تعیین‌کننده سقف است و مازاد آن با استفاده از دیگر روش‌های مرسوم اجرا می‌شود. همچنین اگر از پیمان پولی چندجانبه استفاده می‌شود، می‌توان با تهاوت چندگانه و بدون نیاز به ارز ثالث، تسویه بین کشوری را انجام داد.

برای روشن‌تر شدن نوه تعیین سقف مقداری، فرض کنید واردات ایران از ترکیه ۷۰ واحد پولی و صادرات ایران به ترکیه ۱۰۰ واحد پولی است. لذا سقف پیمان پولی دوجانبه معادل ۷۰ واحد پولی خواهد بود؛ یعنی عدد کمتر در تجارت دوجانبه و برای ۳۰ واحد باقیمانده باید از دیگر روش‌های مرسوم استفاده شود. باید توجه نمود که پیمان پولی دوجانبه یک روش مکمل برای روش‌های موجود انتقال ارز (استفاده از دلار و یورو) است و نه جایگزین این روش‌ها. مثال اخیر بیانگر آن است که اگر قرار بود کل تجارت ایران با ترکیه بر اساس دلار انجام شود، جمع تقاضا برای دلار در دو کشور ۱۷۰ واحد بود؛ اما اگر پیمان پولی دوجانبه بین ایران و ترکیه منعقد شود تا سقف ۱۴۰ واحد پولی از پول‌های ملی استفاده می‌شود و تقاضا برای دلار از ۱۷۰ واحد به ۳۰ واحد کاهش خواهد یافت.

بانک مرکزی از دو روش می‌تواند برای کنترل نوسانات ارز (دلار) بهره‌گیرد: الف) افزایش عرضه، کاری که در گذشته و با درآمد سرشار ناشی از فروش نفت انجام می‌شد و ب) کاهش تقاضا، با استفاده از پیمان پولی دوجانبه. بانک مرکزی باید تحلیل نماید که با هر کشور تا چه سقفی می‌تواند پیمان پولی دوجانبه منعقد نماید. بر اساس آمار گمرک از تجارت خارجی ایران، اگر ایران با ۸ کشور پیمان پولی دوجانبه منعقد نماید. این امکان وجود خواهد داشت که تا سقف ۵۵ درصد از واردات بر اساس پیمان پولی دوجانبه انجام شود و نیازی به دلار و یورو نباشد.

پیمان پولی دوجانبه با هر کشور باید تا سقف مقدار معینی منعقد شود و به هیچ وجه به تعادل تراز تجاری بین صادرات و واردات با کشور طرف پیمان نیاز نیست؛ همان‌طور که در هیچ‌کدام از پیمان‌های پولی تاکنون انجام نشده، تعادل تراز تجاری وجود نداشته است. این روش در یک فضای کاملاً اقتصادی و بدون جهت‌گیری سیاسی، توسط کشورهایی که متحد آمریکا هستند (ژاپن، کره جنوبی و امارات) توسعه یافته است.

ب) نوسانات نرخ برابری ارزهای ملی

غالب پیمان‌های پولی منعقد شده تاکنون سه ساله بوده است و معمولاً در پایان سه سال نیز با افزایش سقف مقداری تمدید شده است؛ اما در شرایطی که نرخ برابری ارزها، دارای نوسان زیادی است. اجرای چنین پیمانی، به صورت سه ساله و بدون ملاحظه حداکثر مبلغی که یک کشور به کشور مقابل بدهکار می‌شود، ممکن است باعث زیان یکی از طرفین شود. در شرایطی که نرخ ریال دارای ثبات نسبی نیست، بهتر است که این پیمان‌ها به صورت سه ساله امضا شود، اما اجرای آنها در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر اتفاق بیفتد. به عنوان اگر

بازه‌های زمانی سه ماهه در نظر گرفته شود و بانک‌های مرکزی ملزم باشند که در انتهای هر سه ماه تا سقف تعیین شده توازن از قبل تعیین شده را رعایت کنند، در این صورت پوشش ریسک بانک‌های مرکزی به طور قابل توجهی انجام شده است و نیازی به تسویه بدهی پایان دوره وجود نخواهد داشت. فرض کنید ایران و ترکیه پیمان پولی دوجانبه سه ساله به مبلغ معادل مبلغ ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار منعقد نمایند. در هر سال باید ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از تجارت بین دو کشور بر اساس این پیمان انجام شود؛ که در بازه‌های زمانی سه ماهه قابل تعریف است. لذا در سه ماه باید معادل ۶۰۰ میلیون دلار یعنی ماهانه معادل ۲۰۰ میلیون دلار از این سیستم برای پرداخت‌های مرتبط با تجارت بین دو کشور استفاده شود. اجرای پیمان پولی باید به‌گونه‌ای انجام شود که در پایان بازه‌ی زمانی سه ماهه تعریف شده، حساب‌های طرفین دارای مانده نباشد.

سقف مجاز بدهی یک کشور به کشور دیگر نیز می‌تواند ۳۰ درصد تعریف شود؛ یعنی هر یک از طرفین که دارای اعتبار معادل ۳۰۰ میلیون دلار از پول ملی کشور مقابل هستند، تنها تا سقف ۳۰ درصد آن را می‌تواند به صورت یک طرفه مصرف کنند و اگر بخواهند بیش از این مقدار استفاده کند، باید کشور مقابل نیز اقدام به خرید کالا نماید تا مابه‌التفاوت میزان بدهی یک کشور به کشور دیگر از این ۳۰ درصد تجاوز نکند. علت در نظر گرفتن این سقف ۳۰ درصدی برای مدیریت این فرایند توسط بانک‌های مرکزی است؛ تا در پایان بازه زمانی سه ماهه، حساب‌های بانک مرکزی نزد یکدیگر دارای مانده نباشد و چنانچه دارای مانده باشد، این مانده که کمتر از ۳۰ درصد است، به سه‌ماهه بعدی منتقل شود.

ج) عدم تخصیص بهینه منابع

پیمان پولی دوجانبه باید به‌گونه‌ای مدیریت شود که در انتهای بازه‌های زمانی تعریف شده مطابق پیمان، حساب‌های بانک‌های مرکزی نزد یکدیگر دارای مانده قابل توجه نباشد. اگر منابع ناشی از پیمان پولی به نحو بهینه تخصیص داده شد و نیاز بود که در انتهای دوره تسویه صورت بگیرد، این تسویه می‌تواند از طریق فروش کالای شاخص کشور بدهکار به کشور بستانکار صورت بگیرد. فرض کنید در انتهای بازه زمانی آخر از پیمان پولی دوجانبه بین ایران و هند، دو کشور متمایل نیستند که پیمان تمدید شود و نیاز به تسویه نقدی وجود دارد. کشور ایران به طوری که معادل ۱۲۰ میلیون دلار بدهکار است، با توجه به اینکه کالای شاخص ایران در صادرات به هند نفت است، در ابتدا و در متن پیمان قید می‌شود که مانده حساب‌ها در پایان این دوره با کالای شاخص مزبور تسویه می‌شود. در این حالت، هند معادل ۱۲۰ میلیون دلار و به نرخ تبدیل روزانه از ایران نفت خریداری می‌نماید.

در چنین حالتی دیگر نیازی به استفاده از سیستم‌های بانکی غرب و ارزهای جهان روا، مانند دلار آمریکا و یورو، برای تسویه بین کشوری وجود ندارد و هرگونه تسویه با استفاده از ترتیبات قراردادی مندرج در پیمان پولی قابل انجام است. در این وضعیت پول ملی کشورهای مبدأ و مقصد در تجارت فرامرزی، بین‌المللی شده است و با سادگی می‌توان با آن واردات و صادرات انجام داد.

برای پایدارسازی پیمان‌های پولی به منظور تجارت با پول‌های محلی، می‌توان شبکه از پیمان‌های پولی دوجانبه ایجاد کرد تا کشورها به صورت سه‌جانبه و بیشتر تعهدات خود را نسبت به یکدیگر تسویه نماید. برای مثال ایران ۲۰ واحد پولی به عراق بدهکار است، عراق ۲۴ واحد پولی به پاکستان بدهکار است و پاکستان نیز ۳۶ واحد پولی به ایران بدهکار است، با تسویه سه‌جانبه، بدهی ایران به عراق تسویه می‌شود و بدهی سایر کشورها نیز به نسبت کاهش می‌یابد.

۲-۵. مزایای پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه

تشکیل شبکه گسترده‌ای از پیمان‌های پولی، نه تنها موجب کاهش آثار تحریم‌های مالی می‌شود، بلکه باعث تقویت استقلال اقتصادی نیز شده و بر عدم وابستگی کامل به نظامات بانکی دیگر کشورها مانند آمریکا تأکید می‌شود. در شرایط جدید، حتی اگر کشورهایی مانند آمریکا و اتحادیه اروپا نیز بخواهند تبادلات تجاری داشته باشند، ریال ایران به اندازه جایگاه ایران در اقتصاد بین‌المللی نقش خواهد داشت.

به طور کلی اجرای چنین پیمان‌های منافع متعددی به دنبال خواهد داشت؛ من جمله:

الف) ارتقای جایگاه ریال در اقتصاد بین‌المللی: تقویت جایگاه ریال به عنوان پول ملی ایران در تجارت بین‌المللی و تبدیل آن به یک ارز قابل خرید برای ذخیره ارزی^۱، مهم‌ترین دستاورد این پیمان‌های پولی است. در این حالت اعتبار پول هر کشور، به اندازه قدرت صادرات آن کشور خواهد بود و به جای استفاده از چند ارز محدود، از سبدهی از رزها برای انجام تجارت بین کشورها و ذخیره‌سازی ارزی استفاده می‌شود.

ب) افزایش قدرت چانه‌زنی در تجارت بین‌الملل: همان‌گونه تشریح شد، انعقاد پیمان‌های پولی موجب تسهیل پرداخت‌های در تجارت بین دو کشور طرف پیمان خواهد شد. در همین حال، با توجه با اینکه تجارت مواد دارویی، تجهیزات پزشکی، محصولات کشاورزی، مواد خوراکی و بسیاری از محصولات صنعتی با ایران در فهرست معافیت‌های تحریمی است، استفاده از پیمان پولی به تسهیل واردات و صادرات این گروه‌های کالایی کمک شایانی می‌کند؛ چرا که عمده مشکل تجارت در گروه‌های کالایی فوق‌الذکر، نقل‌وانتقال پول بین واردکننده و صادرکننده بوده است.

پ) باز پس‌گیری بازارهای از دست رفته توسط بخش خصوصی: شکل‌گیری پیمان‌های مزبور می‌تواند، با رفع محدودیت‌های نظام پرداخت در تجارت فرامرزی، منجر به پس‌گرفتن بازارهایی شود که در اثر تحریم‌های مالی از دست رفته‌اند. در همین راستا، تجار ایرانی می‌توانند با رایزنی و لابی با شرکای تجاری خود در کشورهای دیگر، به خصوص از طریق اتاق‌های بازرگانی، درصد اثرگذاری بر بانک‌های مرکزی کشورهای طرف تجارت با ایران و در نهایت انعقاد پیمان‌های پولی برآیند.

۲-۶. معایب پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه

اجرای پیمان‌های پولی مستلزم رعایت مؤلفه‌هایی است که پیش‌تر تشریح شد. در صورت نادیده گرفتن این ملاحظات، مشکلات متعددی گریبان‌گیر اقتصاد کشورهای طرف پیمان خواهد شد. به‌طور خاص، دو موضوع

^۱ Reserve Currency

اثرات سوء ناسی از عدم برابری سطح توسعه‌یافتگی بین دو کشور و نوسان نرخ برابری ارزهای ملی باید مورد توجه قرار گیرد:

الف) چنانچه این پیمان‌ها با کشورهایی منعقد شود که به لحاظ توسعه اقتصادی و صنعتی از ایران پیشرفته‌تر باشند، ممکن است تجارت یک طرفه‌ای شکل گیرد (قوامی، ۱۳۹۴)؛ که به زیان صنایع داخلی باشد. برای مثال، اگر بدون ملاحظه توان صنایع داخلی، سقف این پیمان‌ها با کشور چین بالاتر از میزان تعیین شده باشد، ممکن است رقابت‌پذیری صنایع کاهش یابد؛ زیرا رتبه شاخص کسب‌وکار در چین بهتر است و با حل شدن مشکلات ناشی از انتقال ارز، واردات کالاهای چینی به ایران تسریع می‌شود.

ب) نکته دوم در اجرای این پیمان‌ها، نرخ تورم بالا و نوسانات نرخ برابری ارزهای ملی است. چنانچه از این پیمان‌ها برای ذخیره‌سازی استفاده شود، می‌تواند باعث کاهش ارزش دارایی‌های ارزی بانک مرکزی شود؛ لذا این پیمان‌ها صرفاً برای تسویه تجاری قابل استفاده هستند و نه برای ذخیره ارزی.

۳. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیمان‌های پولی یکی از مؤثرترین ابزارها برای کاهش ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز و تأمین نقدینگی لازم برای انجام پرداخت‌های بین‌المللی در تجارت فرامرزی است؛ زیرا این پیمان‌ها، از یکسو تقاضا برای ارزهای جهان روا را کاهش داده و موجب کنترل نوسانات رخ ارز می‌شوند و از سوی دیگر، از آنجایی که تسویه پرداخت‌های بین‌المللی تحت این سازوکار، به پول‌های ملی کشورهای دو طرف این پیمان انجام می‌گیرد، هیچ‌گونه محدودیت خارجی برای دسترسی به نقدینگی لازم به این پول‌های ملی وجود ندارد.

بنابراین، اجرای پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه در ایران به منظور مقاوم‌سازی نظام پرداخت در تجارت بین‌الملل، در شرایط تحریم مالی، ضرورتی غیرقابل انکار است؛ چرا که اقتصاد ایران، در اثر تحریم‌های مالی ایالات‌متحده آمریکا، به دشواری می‌تواند از ارزهای جهان روا برای تجارت فرامرزی خود بهره‌گیرد و از این‌روی، سازوکار پیمان‌های پولی می‌تواند، با کاهش چشمگیر میزان تقاضا برای ارزهای جهان روا همچون دلار آمریکا و در دسترس قرار دادن نقدینگی مورد نیاز دو کشور در فرایند تسویه تجاری پرداخت‌های فرامرزی تا حد قابل توجهی فشارهای ناشی از تحریم‌های مالی را در حوزه پرداخت‌های فرامرزی کاهش دهد. همچنین علاوه بر واقعیت تحریم، اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه پنج ساله ششم توسعه بر ضرورت انعقاد این‌گونه پیمان‌ها تأکید دارند؛ به عبارت دیگر، ایجاد و گسترش شبکه پیمان‌های پولی دوجانبه، علاوه بر اینکه نوعی دفاع منطقی در حوزه اقتصادی در برابر تحریم مالی است، تکلیف قانونی است که باید توسط سیاست‌گذاران و مسئولان حوزه اقتصادی محقق گردد.

با این وجود، اثربخشی لازم پیمان‌های پولی دوجانبه منوط به رعایت ملاحظات اجرایی و اقتصادی متعددی است. به عنوان نمونه عدم برابری تراز تجاری بین کشورهای طرف پیمان، نوسانات نرخ ارز ملی کشورهای طرف پیمان و عدم تخصیص بهینه منابع حاصل از این پیمان‌ها دارای ملاحظات است که می‌تواند منجر به تحت‌الشعاع قرار گرفتن اثربخشی پیمان پولی گردد؛ بنابراین ضروری است، در راستای اثربخشی هر چه

بیشتر این‌گونه پیمان‌ها، ملاحظات مزبور مدنظر قرار گرفته و با اعمال راهکارهایی همچون تعیین سقف زمانی، تعیین سقف مقداری و تعیین روش مناسب تسویه بر این موانع فائق آمد.

همچنین راهکارهای مزبور برای ایجاد و اجرای بهینه پیمان‌های پولی پیشنهاد می‌شود:

- انعقاد پیمان پولی دوجانبه با کشورهای همسایه که طرف تجاری عمده ایران هستند و از اجرای تحریم‌های مالی متضرر شده‌اند، در دستور کار قرار گیرد. چراکه دارای انگیزه‌های اقتصادی بیشتری برای تسهیل پرداخت‌های فرامرزی هستند. به‌عنوان مثال ترکیه و پاکستان که به ترتیب بخش‌های نساجی و تولیدکنندگان برنج در این دو کشور به شدت از تحریم‌های حوزه پرداخت متأثر گشته‌اند.

- اختیار مذاکره و انعقاد پیمان‌های پولی از وزارت اقتصاد و دارایی سلب و به بانک مرکزی محول شود، چراکه همان‌گونه که تشریح شد در پیمان‌های پولی دوجانبه، این بانک‌های مرکزی کشورها هستند که در نهایت طرفین این پیمان قرار می‌گیرند و عملیات اجرایی پیمان را سازمان‌دهی می‌کنند؛ در نتیجه اعطای این اختیار به بانک مرکزی موجب تسهیل فرایند ایجاد و اجرای پیمان می‌شود و لزوم دخالت غیرضروری سایر نهادها را منتفی می‌سازد.

- برای اثربخشی حداکثری پیمان‌های پولی دوجانبه، سعی شود این‌گونه پیمان‌ها به‌صورت سه‌جانبه منعقد شود که در پایان دوره‌های زمانی این پیمان‌ها، تسویه مانده حساب‌ها، با سهولت بیشتری انجام شود تا تمایل این کشورها برای تمدید پیمان افزایش یابد.

- از ظرفیت تجار کشورهای هدف که تحریم‌های مالی فعالیت‌های تجاری آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است، در راستای جلب موافقت دولت‌های متبوع این تجار به منظور انعقاد پیمان‌های پولی استفاده شود؛ اتاق‌های بازرگانی می‌تواند محمل مناسبی برای فعال‌سازی این ظرفیت باشد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- امیدبخش، ا (۱۳۸۹)، سازمان جهانی تجارت: ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- قوامی، س (۱۳۹۴)، ضرورت و کارکرد پیمان‌های دو یا چندجانبه ارزی: در شرایط تحریم و تهدید اقتصادی. آفاق امنیت، ۱۵۳.
- ملایی، ع؛ جلال، م و عباسی، ه (۱۳۹۳)، بررسی ضرورت و امکان انعقاد پیمان پولی دوجانبه. تهران: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
- هاشمی، س. م (۱۳۹۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: جلد اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- شیرجیان، م و فرهنگ‌مبین، ح (۱۳۹۵)، نظام تبادلات بین‌المللی شبکه بانکی کشور: تهدیدات، آسیب‌ها و راهکارهای مقاوم‌سازی. تهران: نیلوفران.

منابع لاتین

- Backhouse, R. E., & Bateman, B. W. (2011). Capitalist Revolutionary. Cambridge: Harvard University Press.
- Fouskas, V. K. (2015). International Political Economy. New York: Routledge.
- Hodgson, J. S., & Herander, M. G. (1983). International Economic Relations. New Jersey: Hall Inc.
- Irwin, D. A., Mavroidis, P. C., & Sykes, A. O. (2008). The Genesis of the GATT. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lyuu, Y.-D. (2001). Financial Engineering and Computation: Principles, Mathematics, Algorithms. London: Cambridge University Press.
- Nephew, R. (2017). Art of Sanctions: A view from the field. New York: Columbia University Press.
- Park, Y.-J. (2017). Strengthening ASEAN+3 Regional Financial Arrangements: A New Framework Beyond CMIM. East Asian Economic Review, 61.
- Kiff, J., & Ebrahim, S. (2000-2001, winter). The federal government's use of interest rate swaps and currency swaps. Bank of Canada review.
- Vuren, A. v. (2016). Economic sanctions and the relevance of sanction type. Lieden: University of Leiden.
- Aizenman, J., Jinjarak, Y., & Park, D. (2011). Evaluating Asian Swap Arrangements. Tokyo: Asian Development Bank Institute. Retrieved from <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/156152/adbi-wp297.pdf>

- Nozahie, N., & Ibrahim, A. (2017, October 24–26). The Treatment of Currency Swaps Between Central Banks: Egypt Experience. paper. Paris, France. Retrieved from: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/bop/2017/pdf/17-25a.pdf>





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی